

گزارش

نگاهی جامع به مدل الگوسازی صحیح خودتأمینی انرژی ۸ دلیل فولاد مبارکه برای سرمایه‌گذاری در میادین گازی کشور

فولاد مبارکه به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان فولاد در منطقه، با قدمتی بیش از ۳۰ سال و با تکنولوژی تولید از روش کوره‌های قوس الکتریکی است که ماده اولیه مورد نیاز آن آهن اسفنجی است؛ این یعنی فولاد مبارکه به عنوان محقق‌کننده حدود هشت درصد از تولید ناخالص داخلی در بخش صنعت، نیازمند انرژی برق و گاز است تا بتواند نقش خود را در اقتصاد کشور ایفا کند. اما این گروه بزرگ صنعتی در تابستان با محدودیت شدید برق و در زمستان با محدودیت شدید گاز روبه‌رو بوده و همین موضوع تولید فولاد خام در تابستان و تولید آهن اسفنجی آن در زمستان را با مشکل جدی روبه‌رو می‌کند؛ صنعتی که ظرفیت‌های زیادی برای تولید داشته ولی به خاطر این ناترازی انرژی این ظرفیت‌ها خالی می‌ماند. با برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده و تدوین استراتژی‌های مختلف، فولاد مبارکه با همکاری شرکت ملی نفت ایران، با در عرصه سرمایه‌گذاری در میادین گازی گذاشته تا نه به عنوان یک فولادساز، بلکه در قامت یک صنعت پیشران در خدمت توسعه کشور باشد. اما این سرمایه‌گذاری ابعاد مختلفی داشته و صرفا برای تأمین انرژی نخواهد بود. در ادامه به بخشی از این ابعاد می‌پردازیم.

۱- امنیت انرژی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های بخش تولید، ایجاد امنیت در تأمین انرژی است و این موضوع وقتی برجسته‌تر می‌شود که یک صنعت در فرایند تولید خود به انرژی وابسته باشد. صنعت فولاد از جمله صناعی است که نیاز مبرمی به گاز و برق دارد و به عبارت دیگر این صنعت بر مبنای همین مزیت در کشور ایجاد شده است. به همین خاطر فولاد مبارکه وارد عرصه سرمایه‌گذاری در میادین گازی شده و با تمرکز بر میدان گازی «مدار»، ریسک قطعی‌های مکرر گاز را کاهش داده و پایداری تولید را محقق می‌کند.

۲- سودآوری بلندمدت

سرمایه‌گذاری در میدان گازی فقط تأمین گاز نیست، بلکه درآمدزایی از میعانات گازی و فراورده‌های جانبی را به همراه داشته و در بلندمدت سودآوری فولاد مبارکه را افزایش می‌دهد. این پروژه سرمایه‌گذاری در حقیقت شاکله‌یک فولاد مبارکه در عرصه سرمایه‌گذاری است، چراکه علاوه بر کاهش هزینه‌ها، تولید پایدار و استفاده حداکثری از ظرفیت خطوط تولید، افزایش سودآوری را با سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای مجاور نیز رقم می‌زند.



۳- توسعه زنجیره ارزش

همان‌طور که اشاره شد، یکی از استراتژی‌های فولاد مبارکه در اقق ۱۴۱۰، ورود به کسب‌وکارهای مجاور است که می‌تواند سودآوری خوبی را برای این گروه صنعتی به همراه داشته باشد. به‌علاوه چنین سرمایه‌گذاری‌هایی می‌تواند پایداری کسب‌وکار فعلی را نیز به همراه داشته باشد که توسعه زنجیره ارزش می‌تواند برای رسیدن به این هدف راهگشا باشد. نمونه این موضوع، سرمایه‌گذاری فولاد مبارکه در حوزه تولید برق است که با ایجاد نیروگاه سیکل ترکیبی ۹۱۴ مگاواتی راندمان بالا و نیروگاه خورشیدی ۶۰۰ مگاواتی تا حدی این پایداری را در بخش انرژی برای بزرگ‌ترین فولادساز کشور به ارمغان آورده است.

۴- کمک به دولت و مردم

بر کسی پوشیده نیست که امروز دولت، به خاطر ناترازی انرژی که ناشی از توسعه نامتوازن است، تحت فشار بوده و در پی آن، مردم نیز دچار محدودیت‌های زیادی می‌شوند. سرمایه‌گذاری در میدان گازی مدار، تکه‌ای از پازل رفع ناترازی گاز در کشور است. به‌علاوه افزایش ظرفیت ناشی از راه‌اندازی این میدان می‌توان بخشی از مشکل کمبود گاز نیروگاه‌های کشور را نیز در فصول سرد سال حل کند.

۵- مدیریت ریسک‌های اقتصادی

وضعیت اقتصادی موجود در کشور، ریسک‌های بنگاه‌ها به‌ویژه بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی را افزایش داده است. در شرایط کنونی بازار که تحریم‌ها و فضای رکود پس از جنگ ۱۲روزه حکم‌فرماست، بنگاه‌های اقتصادی با پارامترهای متعددی روبه‌رو هستند، به همین خاطر حرکت به سمت خودتأمینی انرژی، یک مدل نوآورانه از مدیریت ریسک در صنایع بزرگ است؛ الگویی که می‌تواند برای سایر صنایع هم الهام‌بخش باشد.

۶- حفظ محیط زیست

فولاد مبارکه به خاطر دغدغه‌های زیست‌محیطی، ساختار تولید را به نحوی طراحی کرده که کمترین آلایندگی را برای محیط زیست داشته باشد و در ادامه نیز ۲۳ میلیارد دلار پروژه در زمینه محیط زیست تعریف کرده تا این ودیعه الهی را با سلامت به دست آیندگان برساند. مجموع این سرمایه‌گذاری‌ها، فولاد مبارکه را در زمره تولیدکنندگان فولاد سبز دنیا قرار داده و این شرکت در مسیر تولید محصولات دوستدار محیط زیست، هر روز گام‌های استوارتری را رو به جلو برمی‌دارد. سرمایه‌گذاری در میدان گازی «مدار» که با رعایت اصول زیست‌محیطی انجام می‌شود، بخشی از دغدغه فولاد مبارکه را برای حفظ محیط زیست تأمین می‌کند و این شرکت را با گام‌هایی استوارتر به سمت تولید فولاد سبز می‌برد.

۷- ارتقای دیپلماسی صنعتی

رفتار بسیاری از بنگاه‌های اقتصادی با دولت و دستگاه‌های کشور غالباً به‌مثابه جاده یک‌طرفه است؛ هرچند صنایع در خدمت اقتصاد کشور هستند، اما همکاری چندانی با دولت ندارند. سرمایه‌گذاری‌هایی نظیر پروژه «مدار»، با توجه به اهمیت، ابعاد و نتایج آن، مدلی نو از همکاری میان صنایع و دولت را تعریف می‌کند و استفاده از این مدل که فولاد مبارکه در این زمینه پیشرو است، موجب بالندگی صنعت و اقتصاد کشور می‌شود.

۸- اشتغال‌زایی

گروه فولاد مبارکه همواره یکی از مسئولیت‌های اجتماعی خود را اشتغال‌زایی می‌داند. این اشتغال‌زایی به واسطه حضور شرکت‌های این گروه بزرگ صنعتی در جای‌جای کشور انجام شده است. توسعه میادین گازی که با سرمایه‌گذاری این شرکت انجام می‌شود، علاوه بر اشتغال‌زایی در مناطق جنوبی کشور، به خاطر اهمیت این میدان، شغل‌های زیادی را در کل صنعت انرژی کشور ایجاد خواهد کرد.

فولاد مبارکه؛ جهان‌تراز و مسئولیت‌پذیر

نایب فراموش کنیم که نقش شرکت‌های جهان‌تراز، پیشرانی اقتصاد و صنایع است. امروزه شرکت‌های همچون تویوتا، سامسونگ و پوسکو نتها در منطقه جغرافیایی خود، بلکه در اقتصاد دنیا اثرگذار هستند. گروه فولاد مبارکه نیز به عنوان یک مجموعه جهان‌تراز و مسئولیت‌پذیر که براساس استانداردهای بین‌المللی گام برمی‌دارد، به دنبال خلق آینده‌ای بهتر برای ایران و ایرانی است تا کشورمان همان‌طور که با این گام‌ها به عنوان یکی از ۱۰ کشور برتر فولادساز دنیا شناخته می‌شود، در زمره اقتصادهای برتر دنیا نیز مطرح شود.

مهام سلیمان بیگی: ۲۴ شهرویر امسال در کمیسیون اقتصادی، بازگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام با حضور وزیر اقتصاد، بنا شد عرضه سهام شرکت ملی نفت در بازار سرمایه، در دستور کار قرار بگیرد؛ آرزویی قدیمی که در دولت‌های قبلی نیز چندین بار مطرح شده اما هرگز به مرحله اجرا نرسید. با این حال سه کارشناس در گفت‌وگو با «شرق» توضیح می‌دهند که با توجه به تجارب قبلی خصوصی‌سازی در کشور و البته نگاه دولت، امکان عملی‌شدن چنین اتفاقی تقریباً صفر است، مگر اینکه دولت تصمیم داشته باشد با واگذاری مالکیت و نه مدیریت- صرفا کسری بودجه و بخشی از هزینه‌های این صنعت را پوشش دهد یا اینکه قصد داشته باشد با واگذاری اسمی به افراد انتخابی از بخش خصوصی، راه دورزدن تحریم را در شرایط فعلی قدری تسهیل کند، یعنی با این واگذاری با ازدحام نیروی انسانی، راندمان پایین، فناوری قدیمی و فرسودگی تجهیزات، شرکت ملی نفت را به ورشکستگی می‌برد یا دولت با سناریوی واگذاری «بابک زنجانی»‌های جدیدی خلق خواهد کرد.

دردسر مالکیت خصوصی با مدیریت دولتی

پیش‌ازاین در نیمه دوم دهه ۹۰، درست زمانی که بحث واگذاری و خصوصی‌سازی در کشور به اوج خود رسیده بود، برخی نگاه‌ها به سمت شرکت ملی نفت هم معطوف شد و این انتظار داشتند، صحرایی، مدیرعامل وقت شرکت بورس تهران، استدلال را در پی آورد که اگر بحث کوچک‌کردن دولت و حضور پررنگ بخش خصوصی در اقتصاد ایران مطرح است، باید ساختار و قالب‌های اصلی اقتصاد دولتی شکسته شود تا در نهایت تابوی انحصار دولتی برای همیشه از تاریخ اقتصاد ایران از بین برود. در همین راستا بحث عرضه سهام شرکت ملی نفت در بازار سهام و بورس ایران مطرح شد و حتی شرکت بورس نیز عرضه سهام این شرکت را پس از رفع ارزیابی‌های داریی‌ها بلامانع و دور از انتظار ندانست. صحرایی، مدیرعامل وقت شرکت بورس تهران، گفته بود که طرح سهام شرکت ملی نفت به بورس موضوع جدیدی نیست اما علت مسکوت‌ماندن آن، به تصمیمات وزارت نفت و نهاد حاکمیتی برای عرضه سهام این شرکت به بورس برمی‌گردد که در صورت طرح دوباره و اتخاذ تصمیم جدید برای عرضه و انجام حسابرسی و ارزیابی‌های این موضوع می‌تواند در انجام پروسه اجرایی قرار گیرد. با این حال در همان زمان، یعنی سال ۱۳۹۸، بیژن زنگنه، وزیر نفت وقت، در پاسخ به اینکه آیا تصمیم وزارت نفت برای عرضه سهام «شرکت ملی نفت» به بورس قابل عملیاتی‌شدن است یا خیر، پاسخ داد: «فعلا تا عرضه سهام شرکت ملی نفت به بورس خیلی فاصله داریم». اما آیا شش سال پس از این اظهارنظر شفاف وزیر نفت سابق، با اعلام آمادگی مجمع تشخیص مصلت نظام واقعا زمان خصوصی‌سازی شرکت ملی نفت ایران فرارسیده است؟

هاشم اورعی، کارشناس انرژی، در پاسخ به این سؤال توضیح می‌دهد که حتی اگر این بار واقعا این اتفاق رخ دهد، هدف از این عرضه سهام در بورس، پوشش کسری بودجه دولت توأمان با حفظ مدیریت دولتی در این شرکت است، نه خصوصی‌سازی واقعی. اورعی توضیح می‌دهد که این موضوع دو وجه دارد و مهم‌تر از مالکیت، مدیریت است، پس اینکه ما تمرکزمان را روی مالکیت گذاشته‌ایم، اشتباه است. او ادامه می‌دهد: «من سه مثال می‌زنم که سه نوع مختلف مالکیت و تلفیق مالکیت و مدیریت است. مثال اول، آمریکا است، در آمریکا مالکیت خصوصی است، منظورم مالکیت شرکت‌های نفت و گاز و منابع فسیلی است. وقتی مالکیت خصوصی است، طبیعتا مدیریت هم خصوصی است. این می‌شود آن سوی طیف. وقتی به میانه می‌آییم، کشوری مثل نیروز قرار دارد. در نروژ حدوداً ۶۰ درصد مالکیت دولتی و ۴۰ درصد تلفیقی از شرکت‌های خصوصی است اما مسئله مهم این است که مدیریت همچنان در اختیار بخش خصوصی است، یعنی با وجود آنکه بیش از ۵۰ درصد مالکیت در دست دولت است، مدیریت خصوصی است. مثال سوم، عربستان سعودی است. در عربستان تقریباً تمام مالکیت در دست دولت است. اما جالب اینکه با وجود مالکیت دولتی آرامکو، مدیریت آن به صورت خصوصی اداره می‌شود. دلیل موفقیت آرامکو نیز همین است که با وجود مالکیت دولتی، سیستم مدیریتی آن خصوصی است؛ یعنی هیئت‌مدیره مستقل است».

او ادامه می‌دهد: «حالا به ایران بیاایم. در ایران اشتباه است که اساسا درباره مالکیت صحبت کنیم، چون تجربه نشان داده است که هر زمان ما خواستیم خصوصی‌سازی کنیم، فقط مالکیت یک سازمان یا شرکت دولتی را منتقل کرده‌ایم، اما مدیریت را در دستان دولت ناتوان نگه داشته‌ایم. برای مثال سهام عدالت؛ شرکت‌هایی که ۲۰ درصد سهام‌شان سهام عدالت است، اگر پنج عضو هیئت‌مدیره داشته باشند، چهار عضو را دیگر سهام‌داران انتخاب می‌کنند و یک عضو را وزارت اقتصاد تعیین می‌کند. در عمل همان یک نفر بر چهار نفر دیگر غالب می‌شود، چون حمایت وزارت اقتصاد را پشت سر خود دارد». از نگاه این کارشناس اگر هدف از انتقال سهام شرکت ملی نفت ایران به مردم از طریق بازار بورس، این بود که مدیریت به دست مردم برسد، در بلندمدت انتخاب خوبی بود اما با اطمینان می‌شود



عکس: فرحبه موسوی آریان

احتمال فعال سازی مکانیسم ماشه، طرح خصوصی سازی شرکت ملی نفت را روی میز دولت آورد

مأموریت ناممکن نفت

گفت هدف این نیست و سابقه هم این را نشان داده است.

به گفته اورعی هدف این است که دولت با توجه به مشکلات مالی خود -مثلا همین حدود ۸۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه که احتمالا در سال آینده بیشتر هم خواهد شد- بخواند بخشی از اموال را بفروشد و پول از مردم بگیرد اما صرف‌نظر از درصدی که می‌فروشد، دولت هرگز کنترل را از دست نمی‌دهد، یعنی حتی اگر ۹۰ درصد سهام را هم بفروشد -که البته در کام اول قطعا چنین نخواهد کرد- باز هم قصد ندارد کنترل مدیریتی را از دست بدهد. اورعی ادامه می‌دهد: «حالا به هر نیتی اگر دولت باید سهام شرکت ملی نفت ایران را در بورس عرضه کند، بخش خصوصی چه کار می‌کند؟ قیمت‌گذاری می‌کند. قیمت‌گذاری چگونه است؟ یا نگاه به سوددهی. این شرکت ملی نفت ایران، با روندی که امروز دارد و اگر بخواند همین‌طور اداره شود، اگر بارانه نکیرد، ورشکسته خواهد شد. طبق قانون، امروز ۱۴ درصد از کل درآمدهای نفتی کشور به شرکت ملی نفت ایران داده می‌شود. اگر سهام به دست مردم برسد، مجلس دیگر آن ۱۴ درصد را اختصاص نخواهد داد و خواهد گفت: «شرکت خودش کار کند». بنابراین با این ازدحام نیروی انسانی، راندمان پایین، فناوری قدیمی و فرسودگی تجهیزات، این شرکت همانند ایران خودرو خواهد شد؛ ایران خودرویی که به‌تازگی اعلام شد حدود ۲۶۰ هزار میلیارد تومان زیان انباشته دارد. پس اگر امروز شرکت ملی نفت ایران سر پااست، به خاطر آن است که از بودجه تغذیه می‌شود. اگر خصوصی شود، دیگر بودجه‌ای دریافت نخواهد کرد و ورشکسته خواهد شد. همان‌طور که در حوزه برق شاهد ورشکستگی توانیر بودیم».

او اشاره می‌کند که در نروژ، شرکتی که منابع فسیلی این کشور را در اختیار دارد، فقط در چهارماهه اول سال جاری میلادی، ۶۸ میلیارد دلار سود کسب کرده است؛ نروژی که فقط شش میلیون جمعیت دارد. اورعی ادامه می‌دهد: «درحالی‌که اگر در ایران سهام شرکت نفت عرضه شود، در گام اول خطونتی‌ها، بانک‌ها، تأمین اجتماعی، شستا و آت‌هایی که دولت به آنها یا به طور علنی یا غیرعلنی اطلاع می‌دهد که «بروید سهم را بخريد» به کنار، از بین بقیه واقعا چه کسی حاضر است پولش را پرداخت کند و این سهام را بخرد؟ از نظر من، آن کسی که بخش خصوصی واقعی است، هرگز چنین کاری نمی‌کند».

بهبانه برای خلق بابک زنجانی جدید

شهر محمدنیا، کارشناس بازار سرمایه، معتقد است سابقه رویکردهای گذشته دولت نشان نمی‌دهد که قصد داشته باشد شریان اصلی درآمد خود را به بخش خصوصی واگذار کرده و دولت را کوچک‌تر کند. او در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند: «هرچند دررشت همین است، اما شدنی نیست و استقبال‌کردن یا استقبال‌نکردن از سهام این شرکت را در نهایت عرضه و تقاضا در بازار تعیین می‌کند و نیاز به کار کارشناسی دارد. در گذشته سابقه داشته که برخی بخش‌ها واگذار شده‌اند، برای مثال، دارایی‌هایی از شرکت مانند هواپیمایی نفت به بخش خصوصی واگذار شد و الان به شرکت کارون تبدیل شده است. اما اگر منظور بخش برداشت نفت و سکوهای نفتی است، احتمال عملی‌شدن آن تقریباً صفر است، چون حتی شور‌های عربی هم وضعیت مشابهی دارند و انرژی‌های فسیلی‌شان در دست دولت است، هرچند سیاست‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. به طور کلی، این بحث مبسوطی است که دولت‌ها چگونه با نفت، درآمدهای نفتی و ذخایر انرژی که اصلی‌ترین منبع درآمیشان است، رفتار می‌کنند و چگونه مدیریت

و استفاده می‌کنند». این کارشناس توضیح می‌دهد: «الگوهای مختلفی در این زمینه وجود دارد؛ برای مثال، کشورهایی مانند نروژ که از همان ابتدا تفکیک ایجاد کردند، ولی در کشور ما، اگر بخوانیم فعلا کار درست انجام دهیم، باید از اصلاحات اقتصادی شروع کنیم؛ دوم اینکه اگر تصمیم هم گرفته شود، با توجه به این‌همه باگ که در ساختار اقتصاد داریم، اساسا اولویت بر این موضوع نیست. ما واگذاری‌های بسیار داشته‌ایم که فاجعه‌بار بوده‌اند و باید اصلاح شوند. مثلا همین الان دو بلوک ایران خودرو و سایپا را می‌خواند به بخش خصوصی واگذار کنند، سال‌هاست بحث درباره جابه‌جایی مدیریت و وضعیت این شرکت‌ها مطرح است، تازه این مباحث بسیار در سطح پایین‌دستی‌تر هستند. شما خودرو را اصلا نمی‌توانید با برداشت نفت مقایسه کنید». این کارشناس تأکید می‌کند: «ممکن است بخواند به صورت صوری این کار را بکنند؛ یعنی به چند شرکت خصوصی واگذاری‌هایی به صورت صوری داشته باشند که اینها راحت‌تر برای‌شان تحریم را دور بزنند و در جامعه بین‌الملل بتوانند فعالیت کنند؛ درست مثل همان داستانی که در دوره قبل با بابک زنجانی داشتیم. این بار در یک لباس قانونی».

خیال خام دورزدن مکانیسم ماشه

مرتضی افقه، اقتصاددان، در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که ماجرای واگذاری نفت در بورس بعید است. او توضیح می‌دهد: «متأسفانه گاهی برخی اقتصاددان‌های ما چیزهایی را سر زبان می‌اندازند، اما واقعا الان مشکل این نیست که اقتصاد دولتی است و بخش خصوصی کم‌رنگ است. مشکلات خیلی ریشه‌ای‌تر از این بازی‌هاست که این‌قدر وقت خودشان و وقت ملت را می‌گیرند. مشکل اصلی و اساسی در ساختارهای ناکارآمد ضد تولید و ضد توسعه داخلی است که خودش را در همه ارکان حاکمیت نشان داده؛ یعنی در نظام مدیریتی، در نظام تقنینی، در بی‌ثباتی مدیریت‌ها، در بی‌ثباتی سیاست‌ها و... همه اینها زمینه‌ساز قرار سرمایه‌ و سرمایه‌گذاران بوده و زمینه‌ساز فساد هم شده است». او ادامه می‌دهد: «همین ساختارهای ۳۰ سال گذشته، کشور را در برابر تحریم‌ها آسیب‌پذیر کرده و نشان داده که ما سال ۹۷ به این سو، که تحریم‌ها تشدید شده‌اند، چقدر لطمه خورده‌ایم و اینکه الان شرکت نفت را بیاورند و سهامش را در بورس عرضه کنند، هیچ کمکی نمی‌کند». از نظر افقه «چنانچه اسنپ‌یک فعال شود، فرقی نمی‌کند بخش خصوصی باشد یا بخش دولتی؛ هر چیزی از ایران صادر شود، به هر حال از طرف ایران تلقی می‌شود و مشمول تحریم است. من خیلی بعید می‌دانم که با این ترفندهای ساده‌انگارانه و استفاده از بخش خصوصی بشود موضع نظام بین‌الملل را علیه خودمان کنار بزنیم».

با این حال اورعی درباره احتمال استفاده از بخش خصوصی برای تسهیل تجارت نفت در تحریم، نظری متفاوت دارد. او توضیح می‌دهد که اگرچه وقتی نفت ایران تحریم شده، کسی تمایز قائل نیست که یک شرکت خصوصی یا یک کشتی خصوصی نفت را منتقل می‌کند یا دولت. همان‌طور که این درباره خریدار هم صدق می‌کند و آمریکا اکنون روی آن پالایشگاه‌های کوچک و خصوصی چین فشار می‌آورد که آنها هم نباید نفت ایران را بخرند. پس تحریم‌ها هیچ امتیازی برای خریدار و فروشنده بخش خصوصی قائل نشده‌اند اما یک امکان هم این وسط وجود دارد؛ اینکه چون شرکت‌های خصوصی کوچک‌تر، برکندتر و متعددند، کنترل این نفت تحریمی سخت‌تر است.

گزارش

نهادهای مدنی و تحولات جهانی در ایمنی کار؛ درس‌هایی برای ایران ضعف نهادهای مدنی و ایمنی پایین محیط کار

در دو سده گذشته، جوامع صنعتی بارها شاهد حوادث مرگ‌باری در محیط‌های کار بوده‌اند؛ از آتش‌سوزی و ریزش ساختمان گرفته تا نشست مواد شیمیایی که جان هزاران کارگر را گرفته‌اند. در جهان این فجایع صنعتی و کاری، پیامدهای طولانی و اثرگذاری داشتند و امواج بلندی از مبارزه اجتماعی/مدنی برای سلامت و ایمنی کار را رقم زدند. در این نقش سندیکاها، تشکل‌های مدنی، روزنامه‌نگاران و حقوق‌دانان در بیان شرایط ناامن و مطالبه مقررات حمایتی در بسیاری از کشورها انکارناپذیر است. این گزارش تلاش می‌کند تا با مرور کوتاهی از چگونگی شکل‌گیری قوانین ایمنی کار در جهان، نشان بدهد چه کمبودهایی در ایران باعث شده در ایران روند مشابهی در بهبود ایمنی و سلامت محیط کار طی نشود.

سیر تاریخی ایمنی کار در جهان و نقش جامعه مدنی

در بریتانیا، فشارهای ناشی از انقلاب صنعتی و افزایش یک کمیسیون سلطنتی درباره استثمار کودکان موجب شد قانون کارخانه ۱۸۳۳ تصویب شود. این قانون ساعت کار کودکان را محدود و بازرسان کارخانه را منصوب کرد تا اجرای قوانین را تضمین کنند. حضور این بازرسان، نخستین تلاش دولتی برای نظارت بر ایمنی کار بود و با حمایت اتحادیه‌های نوظهور، پایه‌های قوانین بعدی را گذاشتند. در آمریکا، آتش‌سوزی کارخانه پیراهن‌دوزی تری‌انگلر در مارس ۱۹۱۱، که ۱۴۶ زن و دختر مهاجر را در نیویورک به کام مرگ کشید، به نمادی از ناامنی محیط کار تبدیل شد. پیش از حادثه، کلارا الملیک و هزاران کارگر زن در «شورش ۲۰ هزار نفری» با انجام اعتصاب، خواستار افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار شده بودند. پس از فاجعه، پشتیبانی زنان سرمایه‌دار حق رای و فشار گسترده عمومی باعث شد فرماندار نیویورک کمیسیون ویژه‌ای برای تحقیق درباره کارخانه‌ها تشکیل دهد. این کمیسیون در مدت چند ماه هشت قانون درباره ایمنی آتش‌سوزی، بازرسی کارخانه و بهداشت تصویب کرد و سال بعد ۲۵ قانون دیگر وضع شد که همه قوانین کار ایالت را بازنویسی کرد و وزارت کار ایالتی را ایجاد کرد.

ظهور نهادهای بین‌المللی و قانونی

در واکنش به شرایط ناگوار کارگران در انقلاب صنعتی، جامعه جهانی پس از جنگ جهانی اول به این نتیجه رسید که صلح پایدار بدون عدالت اجتماعی ممکن نیست. سازمان بین‌المللی کار (ILO) در سال ۱۹۱۹ با ساختاری سه‌جانبه (نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت‌ها) ایجاد شد تا استانداردهای بین‌المللی کار تدوین کند. در دو سال اول فعالیت، این سازمان ۹ کنوانسیون و ۱۰ توصیه‌نامه درباره ساعت کار، بیمه بیکاری، حمایت از مادران و کار شبانه زنان و کودکان تصویب کرد. در ایالات متحده، دهه‌ها مبارزه اتحادیه‌ها و حوادثی نظیر انفجار معدن مونونگاه (۱۹۰۷) و انفجار معدن فارمینگتون (۱۹۶۸) موجی از قوانین ایمنی ایجاد کرد.

۵۳۵ الهام‌در صحنه ۸	
---	--

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی:

تولید شکر سفید برای نخستین بار از ۸۶۶ هزار تُن گذشت



شرح بوده است؛ کشت و صنعت امیرکبیر ۲۲۷ هزار تن، کشت و صنعت دعبیل خرامی ۲۱۲ هزار تن، کشت و صنعت قارایی ۲۰۹ هزار تن و کشت و صنعت دهخدا ۲۱۴ هزار تن.

به گفته مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر، ظرفیت اسمی هر واحد تصفیه شکر، ۱۸۰ هزار تن در سال است و همه واحدها توانسته‌اند از ظرفیت اسمی عبور کنند و در این بین واحد تصفیه شکر امیرکبیر بیشترین افزایش را محقق کرده است. ناصری موفقیت اخیر را نتیجه تلاش مستمر، بهره‌گیری از دانش فنی و همکاری کارکنان صنعت نیشکر دانست و تأکید کرد که این دستاوردها نشان‌دهنده ظرفیت بالای صنعت برای دستیابی به اهداف بزرگ‌تر است.

مدیرعامل شرکت توسعه نیشکر با بیان اینکه این مجموعه ۴۵ درصد نیاز کشور را تأمین می‌کند، توضیح داد: با احتساب تولید کشت و صنعت کارون و کارخانه‌های چغندر استان، سالانه حدود یک میلیون تن شکر در خوزستان تولید می‌شود که بیش از ۵۵ درصد نیاز کشور را پوشش می‌دهد.

وی افزود: با اصلاح روش‌های عملیاتی و بهبود کیفیت شکر خام، ظرفیت اسمی شکر خام وارداتی به‌دست آمده است. هر یک از کارخانه‌های شرکت توان تولید ۱۷۵ هزار تن شکر را دارند و علاوه بر شکر سفید، تولید شکر قهوه‌ای، دارویی و طعم‌دار در خطوط جداگانه انجام می‌شود.

سهم خوزستان در تأمین شکر کشور

مدیرعامل توسعه نیشکر با بیان اینکه این مجموعه ۴۵ درصد نیاز کشور را تأمین می‌کند، توضیح داد: با احتساب تولید کشت و صنعت کارون و کارخانه‌های چغندر استان، سالانه حدود یک میلیون تن شکر در خوزستان تولید می‌شود که بیش از ۵۵ درصد نیاز کشور را پوشش می‌دهد.

وی افزود: با اصلاح روش‌های عملیاتی و بهبود کیفیت شکر خام، ظرفیت اسمی شکر خام وارداتی به‌دست آمده است. هر یک از کارخانه‌های شرکت توان تولید یافته و این رشد ۲۰ درصدی نشان‌دهنده توان عملیاتی بالای صنعت نیشکر است.

نیشکر امیر کبیر، بالاترین ظرفیت تولید شکر سفید

بر اساس گزارش شرکت، تاکنون تولید شکر سفید در چهار واحد تصفیه به این



شرکت ملی تصفیه شکر ایران